

سوء ظن (گمان بد)

خطبه اول :

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فهو المهتد ومن يضل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله .

قَالَ تَعَالَى: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ؕ وَلَا تَمُونَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۲)

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَوَحْدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ؕ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ ؕ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ (النساء: ۱)
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ (الأحزاب: ۷۰ - ۷۱)

برادران گرامی انسان از همان روزی که پا به عرصه وجود گذاشت و در پی شناخت خود بوده وهست و خواهد بود و چون الله این نیاز انسان را می شناخت و از همان آغاز خلقت و فطرتی در او قرار داد تا بوسیله آن به رستگاری برسد. ولی این فطرت نیاز به پرورش و تربیت صحیح داشت از اینرو الله متعال ادیان را برای انسانها به ارمغان آورد.

چرخه ی حیات همچنان می گذشت وادیان و پیامبران الهی _علیهم السلام_ یکی پس از دیگری می آمدند تا کار به جایی رسید که می بایست آخرین پیامبر برای ابلاغ آخرین و کامل ترین دین ظهور می کرد و باید بشریت و در عبودیت به اوج کمال می رسید.

رسیدن به اوج کمال عبودیت و بندگی نیاز به قلبی پاک و صاف و صادق داشت که می بایست زمینه ای برای فرود آمدن ایمان در آن باشد. ولی قلبهای آدمیان آن روزگار به دلیل بت پرستی و گم کردن اصل خویش دچار ظلمت جهل و بی دینی شده وانسانها دچار انحطاط و سرنگونی شدیدی از حیث روحی و روانی و اخلاقی شده بودند .

ناگهان الله از میان همین اقوام جاهل و بدوی و انسانی والامقام وشایسته برگزید و انسانی که بعداً تبدیل به برترین وشایسته ترین مخلوق الله گردید و انسانی که از همه لحاظ به کمال رسیده بود و شخصیتی که برای ما حتی از پدر ومادر نیز دلسوزتر از دایه نسبت به نوزاد مهربانتر و از خود انسان به انسان نزدیکتر بود و آن کسی جز محمد بن عبدالله نبود که به پیامبری برگزیده شد وقرآن بر او نازل گردید و دعوت شروع شد و اصلاح و تزکیه و تقوی و تربیت و نصیحت و هدایت و نور و جوانمردی و صداقت و پاکی و احترام و نیکی و صدها خصال نیک دیگر و دوباره معنا پیدا کردند انسان از انحطاط و گمراهی و پا به عرصه ی حیاتی جدید گذاشت.

فطرتها بیدار شدند و قلبها رو به پاک شدن حرکت کردند و دلها به همدیگر نزدیکتر شد و تقوی

که بزرگترین ثمره ی ایمان است و در قلبهاریشه دوانید ودوباره چراغ نور وهدایت و شعله ور گردید و انسان دوباره به چرخه حیات واقعیث بازگشت وبه سیر زندگی ادامه داد. اما شیطان همیشه با وسوسه هایش در کمین انسان ودر صدد تغییر فطرت انسان ودر صدد کاشتن تخم کفر وبی دینی در قلبها می باشد وبه همین سبب مبارزه مستمر انسان با شیطان از سر گرفته شد واین کشمکش ومبارزه تا قیامت ادامه خواهد داشت.

مومنان گرامی یکی از مهمترین دست آوردهای شیطان ونفس سرکش انسان سوءظن وبدبینی است. بدبینی ومنفی نگری وسوء ظن یکی از رذایل اخلاقی وصفات روانی بد می باشد وبا اثر بدی که روی خود شخص واطرافیاناش می گذارد و نه تنها از نظر اسلام گناه محسوب می شود؛ بلکه زندگی را در کام انسان تلخ وغیر قابل تحمل می کند.

ما در تعامل متقابل با دیگران هستیم؛ اگر خوب درباره آن ها فکر کنیم و آن ها نیز با ما خوب خواهند بود واگر بد درباره آن ها گمان کنیم و آن ها نیز با ما بد خواهند بود. از جانبی دیگر ما هرگز حق نداریم درباره الله متعال و بدبین ومنفی نگر باشیم واگر غیر از آن باشد و هستی در برابر ما تیره وتار می شود. افراد بدبین ومنفی نگر حتی با خود نیز مشکل دارند وبه زمین وزمان بد وبیرا می گویند: «دنیا با انسان معامله متقابل می کند و اگر بخندید به روی شما می خندد واگر چین بر ابرو اندازید و او هم مقابل شما و ابرو در هم می کشد. اگر مهربان وصمیمی باشید و در اطراف خود مردمی را می بینید که همه شما را دوست می دارند ودر گنجینه دلها را به رویتان باز می کنند. برادران وخوهران گرامی و سوءظن انسان را به تجسس در حال دیگران وامیدارد و تجسس سرچشمه غیبت وکم کم موجب می شود که آبروی انسانی و به خطر بیفتد. در حقیقت گمان بد عاملی است برای جستجوگری وجستجوگری عاملی برای کشف اسرار ورازهای نهانی مردم است. اگر اجازه داده شود هر کس به جستجوگری درباره دیگران برخیزد حیثیت وآبروی مردم بر باد می رود واسلام هرگز اجازه چنین کاری را نمی دهد. الله متعال در این باره می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِتْمٌ وَلَا حَسَسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾ (الحجرات: ۱۲) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها پرهیزید که پاره ای از گمانها و گناه است وجاسوسی مکنید وبعضی از شما غیبت بعضی نکنند.

رسول گرامی اسلام نیز در این باره ما را بی بهره نگذاشته ودر سخنانی بسیار آموزنده وتربوی ما را از بیماریهای قلبی که سرمنشا بسیاری از آنها سوءظن می باشد بازداشته ومی فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ وَفَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَوَلَا حَسَسُوا وَوَلَا حَسَسُوا وَوَلَا تَدَابَرُوا وَوَلَا تَبَاغَضُوا وَوَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا». (رواه البخاری ومسلم)

ترجمه: شما را از ظن وگمان (سوءظن وبدبینی) بر حذر میدارم زیرا ظن وگمان دروغترین سخن بشمار میرود وهرگز در پی یافتن عیوب دیگران نباشید وتجسس نکنید وبه یکدیگر حسادت نورزید وبه همدیگر پشت نکنید (از هم ناراحت ودلگیر نشوید) وبندگی الله را پیشه کنید در حالیکه با یکدیگر برادر (و مهربان) هستید.

برادران مومن! سوءظن بزرگترین مانع همکاریهای اجتماعی و اتحاد و بهم پیوستگی دلهاست و وانسان را به زندگی فردی و گوشه گیری و انزوا و تنگ روی و مفسد ناشی از این صفات می کشاند و سوءظن نمی گذارد که انسان به دیگری اعتماد کند و پایه همکاری با او را بریزد و با کمک او به حل مشکلات بشتابد. بدبینی سرچشمه عداوتها و وگاهی مایه اصلی جنگها و نزاعهای خونین می شود. چه بسیار خانواده ها که بر اثر بدبینی از هم متلاشی شده و چه بسیار رجال لایق و با شخصیت که با یک گمان بد در حق آنها و تسلیم مرگ گردیده اند و وگاهی گمان بد آتش جنگهای بزرگی را روشن ساخته است.

همچنین سوءظن و محبت و دوستی را خاموش و نفاق و دورویی را در میان دوستان پرورش می دهد و زیرا چنین کسی در ظاهر ناچار است تظاهر به دوستی با رفقای خود کند در حالی که در باطن چنین نیست و نسبت به آنها بدبین می باشد و همین طرز رفتار موجب پرورش روح نفاق و دورویی در او خواهد گردید و به همین سبب رسول گرامی اسلام آنرا «الكذب الحديث» نامیده است.

بدبینی سرچشمه ناراحتی روح و عذاب جسم و اضطراب و نگرانی خاطر است. افراد بدبین غالباً ناراحتند و بر اساس توهمات که درباره اشخاص و حوادث دارند فوق العاده رنج می برند. آنها از معاشرت با افراد که یکی از وسایل عادی و مؤثر نشاط روحی است گریزانند زیرا کلمات یا کارهای مردم را مثلاً گوشه ها و نیشهایی برای خود فرض می کنند. از درد دل که وسیله مفیدی برای تخفیف آلام و ناراحتیها است می ترسند و زیرا ممکن است موجب افشای اسرار آنها و یا مشکلات دیگری گردد! و به همین دلیل غالباً افسرده و بی نشاط و غمگین هستند و و تدریجاً به صورت یک موجود معطل و بی فایده در می آیند.

افراد بدبین از صفای روح غالباً بی بهره اند زیرا همیشه در دل خود مشغول به غیبت افراد دیگرند و به همین ملاحظه بعضی از علمای اخلاق و سوءظن را به عنوان «غیبت با قلب» عنوان نموده اند و همانگونه که قبلاً اشاره کردیم چه بسا این آفت خود منشاء بسیاری از بیماریهای قلبی دیگر همانند غیبت و حسد میگردد.

بارك الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذکر الحكيم و أقول قولی هذا و أستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

خطبه دوم :

الحمد لله منزل الكتاب و هدی و ذکری لأولي الألباب و الصلاة والسلام علی نبینا محمد المفضل علی البشر بجوامع الخطاب و وعلی آله المطهرین والأصحاب. وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجی صاحبها یوم الحساب.

اما بعد : مومنان نماز گزار تقوای الله را در پیش گرفته و نسبت به برادران و خواهران خود حسن نیت داشته باشید و هرگز به شیطان اجازه ندهید تا دلهای پاک شما را با دردهای خانمانسوزی همچون بدبینی (سوءظن) و حسد و کینه و... بیمار گرداند.

برادران عزیز! دین مبین اسلام دین میانه روی است و افراط و تفریط هرگز مورد پسند اسلام نیست

و آنچه در این دین بر آن تاکید شده رعایت اعتدال است و آن هم در همه زمینه ها. اصولاً در معنای عدل گفته اند که عدل عبارتست از "وضع الشئ فی مكانه" یعنی عدل قرار دادن هر چیز در جای خود است. پس هر چیزی که از جای خود وزمان خود وحد خود خارج شد یعنی از حدود عدل عبور نموده است.

در مسئله خوش بینی یا سوء ظن نیز و انسان باید از افراط و تفریط پرهیزد. یعنی نه آنچنان خوش بین باشد که به راحتی فریب دیگران را بخورد و یا دچار شکست و انحراف گردد و نه آنقدر بدبین باشد که به انسانهای مومن بدون دلیل قانع کننده ای و سوء ظن داشته باشد که این بدبینی مقدمه ای برای کینه و دشمنی و حسادت و.. گردد.

دوستان عزیز و گرامی! ممکن است گفته شود که گمان خوب یا بد یا به اصطلاح مثبت نگری یا منفی نگری امری اختیاری نیست بنابراین چگونه می توان از آن جلوگیری کرد؟ در همین راستا توصیاتی از سوی علمای اخلاق بیان گردیده که به اختصار عبارتند از:

(۱) چنان که اشاره شد منظور از نهی از سوء ظن و نهی از ترتیب اثر دادن به آن است یعنی هرگاه گمان بدی نسبت به شخصی مسلمان در ذهن پیدا شد در عمل نباید کوچکترین اعتنایی به آن کرد و یعنی نحوه تعامل خود را تغییر ندهیم. بنابراین آنچه گناه است ترتیب اثر دادن به گمان بد می باشد.

(۲) انسان می تواند با تفکر روی مسائل مختلف گمان بد را در بسیاری از موارد از خود دور سازد و به این ترتیب که در راه های حمل قول یا فعل بر صحت بیندیشد و احتمالات صحیحی را که در مورد آن عمل وجود دارد در ذهن خود مجسم سازد و کم کم بر گمان بد غلبه کند بنابراین گمان بد چیزی نیست که همیشه از اختیار آدمی بیرون باشد.

(۳) پرهیز از همنشینی با افراد ناپاک و ناسالم و نامتعادل و زیرا انسان بر اثر همنشینی با آنها از ویژگی های اخلاقی ایشان تأثیر می پذیرد و کم کم به افراد خوبی که با او هم رنگ و هم عقیده نیستند بدبین می شود.

(۴) کنترل مجاری ادراکات و چرا که قرآن کریم تمام مجاری فهم انسان را مسؤول دانسته و می فرماید:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (الإسراء: ۳۶) ترجمه: و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

پس قطعاً چشم و گوش و دل همگی مسؤولند. اگر کنکاشی در علل پیدایش سوء ظن داشته باشیم می بینیم که ادراکات حسی و بالاخص دیدنی ها و شنیدنی های ما در شکل دادن افکار و تخیلات ما سهم بسزایی دارند در نتیجه یکی از بهترین راه های تدبیر خواست ها و تسلط بیشتر بر خود و پیروزی بر خواهش نفسانی و وسوسه شیطانی در مورد متهم کردن دیگران؛ مهار ادراکات و بیش از همه مهار چشم و گوش است مانند پرهیز از گوش دادن به سخنان پنهانی دیگران و پاس داشت حریم

خصوصی آنها.

۵) توجه به آثار بد منفی نگری و سوء ظن و دقت در آیات و احادیثی که سوء ظن را تقیح کرده و به حسن ظن تشویق نموده‌اند.

شایان ذکر است که هیچکس نباید کاری کند که مردم به او سوء ظن پیدا کنند. و سخن پایانی اینکه از بارزترین نشانه‌های نابسامانی روحی و روانی سوء ظن و بدگمانی است همچنانکه در حدیث صحیح به روایت امام مسلم از پیامبر آمده است که فرمودند: «ایاکم والظن فإن الظن أكذب الحديث» از ظن و گمان پرهیز کنید زیرا که ظن و گمان دروغ‌ترین سخنان است. هذا واللهم صل وسلم وبارک علی عبدک ورسولک مُحَمَّد و وارِضَ اللّهمَّ عن خلفاء نبيک الرّاشدين الأئمة الهداة المهديين ذوي القدر العلي والفخر الجلي ساداتنا وأئمتنا أبي بكر وعمر وعثمان وعلي وارض اللهم عن السبطين الشهيدين سيدي شباب أهل الجنة وقرتي أعين أهل السنة الإمام أبي محمد الحسن والإمام أبي عبدالله الحسين وعن أمهما فاطمة الزهرا وعن جدتهما خديجة الكبرى وعن الصديقة بنت الصديق عائشة أم المؤمنين وعن سائر أزواج نبيک الطاهرات وعن سائر آل بيت النبي المطهرين من الدنس والأرجاس وعن عمي النبي الكريم حمزة والعباس وعن من تبعهم بإحسان الى يوم الدين.

اللهم أحيانا في موالاتهم وموالات أولياءهم ومعاداة أعدائهم وأئمتنا على ملتهم واحشرونا في زميرتهم .

اللهم أعز الإسلام والمسلمين و أذل الشرك والمشركين و ودمر أعداء الدين و واجعل اللهم هذا البلد آمناً مطمئناً وسائر بلاد المسلمين .

اللهم انصر من نصر الدين و اللهم انصر دينك وكتابك و سنّة نبيك - صلى الله عليه وسلم.

اللهم انصر إخواننا المسلمين في كل مكان يا حي يا قيوم و اللهم انصرهم نصراً مؤزراً و وأيدهم بتأييدك و واحفظهم بحفظك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام.

اللهم آمناً في أوطاننا و وأصلح أئمتنا و وولاة أمورنا و واجعل ولايتنا فيمن خافك واتقاك و واتبع رضاك يا رب العالمين و اللهم أبرم لهذه الأمة أمر رشيد يعز فيهم أهل طاعتك و ويذل فيهم أهل معصيتك و ويؤمر فيه بالمعروف و وينهى فيه عن المنكر؛ إنك على كل شيء قدير.